

## امنیت اجتماعی و جایگاه ریاستی دادستان و نظارتی مقام قضایی بر عملکرد ضابطان

### دادگستری

دکتر سام سوادکوهی فر، قاضی دیوان عالی کشور، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد تهران

جنوب

چکیده:

نیروی های نظامی و غیر نظامی و ضابطان خاص قضایی که مأمور انجام اقدامات مقدماتی امور کیفری و اجرای تصمیمات و آرای مقامات قضایی و هم چنین حفظ و برقراری امنیت عمومی به شمار می روند، بدون ارتباط مناسب و قانونمند با مقام قضایی به هدفی که مأموریت آن ها را تشکیل می دهد نایل نخواهند شد. با احیای دادرسیها در سیستم حقوقی ایران، نقش دادستان ها در نظارت و ریاست بر ضابطان قضایی مجدداً مطرح گردید. از سوی دیگر توجه به وظیفه ی نظارتی محکمه و یا نقش کنترل کننده آن بر اقدامات ضابطان دادگستری از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است.

با بررسی تطبیقی حقوق داخلی با سیستم حقوقی فرانسه، خلأ موجود از حیث فقدان نقش ریاستی دادستان به معنای مصطلح آن و نبود نقش نظارتی محکمه و جنبه ی اعمال اختیارات خاص او در اجرای برخی تنبیهات انضباطی و اداری در حق ضابطان قضایی مشخص می گردد.

صرف نظر از اختیارات عام مراجع قضایی در اعمال مقررات جزایی علیه مأموران متعددی نسبت به قانون و یا ناقض حقوق شهروندی، تعیین و تنسيق ابعاد نظارتی و ریاستی دادستان ها بر ضابطان دادگستری و تبیین نقش کنترل کننده ی مراجع قضایی در این راستا از امهات مسایل دادرسی عادلانه جهت حفظ امنیت عمومی در یک نظام مترقی حقوقی محسوب می شود.

کلید واژه ها: مقام قضایی / دادگاه / دادستان / دادرسی / ضابطان دادگستری / حقوق تطبیقی / نظام حقوقی اسلامی / نظام حقوقی ایران / نظام حقوقی فرانسه.

مقدمه:

بدون تردید حفظ و توسعه حقوق شرعی مردم و ایجاد امنیت عمومی در قبال قانون از مهمترین تکالیف مدیران مملکتی محسوب می شود. جریان صحیح یک نظام، زمانی به بار می نشیند که نهادهای مسئول به صورتی سازمان یابند که تداخل وظایف به حداقل رسیده و امور اجرایی حتی المقدور مستقل از امور قضایی و تحت نظارت مرجعی قانون مدار مورد عمل واقع شود. از این رو در نحوه ی اعمال وظایف اصلی قوه قضاییه در قانون اساسی تصریح شده است، که بایستی در زمینه ی حفظ حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین و هم چنین اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان<sup>(۱)</sup>، تمهیدات کافی را در محدوده ی مرتبط با فعالیت خود، مورد توجه قرار دهد. با وجود این که مسائل مرتبط با اعمال اختیار مزبور، دامنه ی وسیعی دارد؛ می توان قبل از هر توضیحی به قانون اساسی استناد نمود که مسائلی را یادآور شده است؛ اگر چه قانون اساسی نسبت به برخی امور به دلیل اهمیت خاصشان خود ارائه ی طریق کرده و برخی را محول به قوانین عادی نموده است. از جمله اموری که قانون اساسی نسبت به آن تعیین تکلیف کرده اصل (۳۲) است. این اصل که به نظر می رسد اساساً راجع به اقدامات ضابطان دادگستری باشد، اجازه نمی دهد متهم بدون تعیین تکلیف مقام قضایی بیش از بیست و چهار ساعت در بازداشت بماند. اصل مزبور به رغم تعیین تکلیف در خصوص حداکثر مدت بازداشت ابتدایی، مقام نظارتی و کنترل گر و همین طور مجازات عدم رعایت این امر را تعیین نکرده و مورد را به قانون عادی محول کرده است.

ایجاد دادسرا به عنوان حلقه ی وصل ضابطان و مقامات قضایی از نهادهای نوینی به شمار می رود که به منظور منع از تداخل و تعدی وظایف هر یک، مورد عنایت خاص سیستم های مختلف حقوقی قرار گرفته است. نظام حقوق انگلیس نیز از حدود دو دهه قبل (۱۹۸۲ میلادی) به تعبیه ی نهادهایی مانند دادستانی در سیستم های تابع خانواده رومی ژرمنی از قبیل آلمان و فرانسه اهتمام ورزیده تا اختیارات و قدرت پلیس تحت نظارت مستمر، مستقل و با وجهه ی قضایی قرار گیرد. بعد از انقلاب اسلامی، سیستم حقوقی کشور ما تغییراتی در نظام دادرسی اعمال نمود و با حذف

دادسراها در سال ۱۳۷۳ سعی نمود تا بتواند علاوه بر وظیفه دادرسی محاکم، نظامی مبتنی بر نظارت مستقیم محکمه بر امر تحقیق و تعقیب بنا نماید. با احیای مجدد دادسراها در سال ۱۳۸۱، مسأله ریاست و نظارت دادستان بر ضابطان از یک سو و امر کنترل و مراقبت مقام قضایی بر عملکرد ضابطان و اقدامات دادسرا و به طور کلی اعمال متصدیان امر تعقیب و تحقیق و اجرا، از سوی دیگر مورد توجه مجدد واقع شد.

پس از توضیح نقش ریاستی و نظارتی دادستان بر ضابطان قضایی در سیستم حقوقی ایران و فرانسه، به نقش کنترل گر محکمه بر عملکرد ضابطان قضایی در دو سیستم یا دشته اشاره خواهیم کرد. البته در بررسی تطبیقی ریاست و نظارت دادستان بر ضابطان در نظام حقوقی ایران و حقوق فرانسه به مسأله ریاستی و نظارتی دادستان بر ضابطان تصریح شده است.

#### ۱- ریاست و نظارت دادستان بر ضابطین در فرانسه

در فرانسه دعوی عمومی منحصراً توسط دادسرا و در مواردی توسط کارمندان بعضی ادارات به اجرا گذاشته می شود.<sup>(۲)</sup> دادسرا در معیت دادگاه های جزایی عمومی تشکیل شده و نمایند قوه مجریه، طرف اصلی و لازم محاکمه جزایی به شمار می رود.<sup>(۳)</sup> در سیستم حقوقی فرانسه، دادستان های شهرستان ها، مستقل از قدرت ما فوق مانند دادستان کل کشور<sup>(۴)</sup>، نقش گسترده ای در ارتباط با تحقیق و تعقیب جرم به عهده دارند و در ارتباط نزدیک با ضابطان خاص دستگاه قضایی می باشند. به همین جهت پلیس قضایی - که از افسران و مأموران منصوب به این امر تشکیل می شود - پس از آشنا شدن با مقررات قضایی و چگونگی اعمال حقوق مشروع مردم، در معیت دادسراهای شهرستان انجام وظیفه می نماید. دادستان ها برخی ریاست مستقیم بر پلیس قضایی دارند که خود متضمن نظارت نیز می باشد، و برخی تنها متکفل امر نظارت هستند.

نقش ریاستی بر پلیس قضایی اساساً توسط دادستان شهرستان یا دادستان جمهوری<sup>(۵)</sup> اعمال می گردد. در نتیجه به منظور رعایت اصول قانونی و حریم حقوق شهروندی افراد، مأموریت های قانونی

پرسنل پلیس قضایی تحت ریاست و نظارت دادستان شهرستان اعمال می شود. ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به این امر اشاره داشته و می گوید:

Sous La direction du procureur de la," La police judiciaire est exercee fonctionnaires et agents designes au present, par les officiers, Republique titre."

نقش ریاستی دادستان را می توان همان نقش مدیریتی او بر فعالیت پلیس قضایی حوزه قضایی مربوطه اش دانست. چنان چه ماده (۴۱) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به این امر حکایت دارد: dans le ""... il dirige l'activite des officiers et agents de la police judiciaire resort de son tribunal...

ماده (۱۳) همین قانون، جدای از نقش ریاستی دادستان شهرستان ها - که فوقاً اشاره نمودیم - به نقش نظارتی دادستان های عمومی یا دادستان استان (۶) نسبت به عملکرد پلیس قضایی تصریح دارد. لذا در ماده مزبور آمده است در حوزه هر دادگاه کیفری استان، دادستان عمومی (دادستان استان) بر عملکرد پلیس قضایی مستقر در آن حوزه نظارت دارد:

"sous la surveillance du, dans chaqueresart de cour d" appel, Elle est placee procureur general et..."

## ۲- ریاست و نظارت دادستان بر ضابطان در ایران

در ایران با احیای دادسراها در معیت دادگاه های جزایی، برای دادستان نقش مهم ریاست و نظارت در ارتباط با ضابطان دادگستری پیش بینی شده است. قبل از توضیح چنین رابطه ای به دو نکته باید توجه داشت:

- نکته اول این که دادسرا در ایران زیر نظر قوه قضاییه و نه قوه مجریه است. بنابراین امری، دادسرا در ایران با دادسرا در سیستم فرانسه که نماینده قوه مجریه است به رغم تشابه در عملکرد، تفاوت در بنیان دارد. از این رو دادسرا در سیستمی مانند ایران، ضرورتاً باید در انجام امور محوله مدافع قانون و مستقل از قدرت اجرایی ایفای تکلیف نماید. در واقع دادستان در نظام حقوقی ایران

با وجود ماهیت قضایی، وظیفه وکیل عمومی (مدعی العموم) و امور راجع به آن را ایفا می نماید و در ارتباط با ضابطان دادگستری عهده دار نقش ریاستی و نظارتی می باشد.

- نکته دوم این که پلیس قضایی به شکل موجود در فرانسه در حال حاضر در ایران وجود ندارد. بنابراین بعد از انحلال پلیس قضایی و ادغام نیروهای انتظامی (کلانتری، ژاندارمری، کمیته، پلیس قضایی و...) نیروی ویژه ای جز رؤسا و معاونان زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان که آن هم محدود به قواعدی است، تحت ریاست مقام قضایی و یا به عبارت دیگر تحت مدیریت قوه قضاییه در ایران وجود ندارد. همین امر موجب مفقود شدن جایگاه ریاستی مقام قضایی و یا شبه قضایی دادستان بر ضابط خاص خود، در ایران، شده است. اما در وضعیت موجود، طبق بند «ب» ماده (۳) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸، دو وظیفه ریاستی و نظارتی توأمان بر عهده ی دادستان است: «ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است».

لذا در سیستم حقوقی فعلی کشورمان دو امر در خصوص اعمال نقش نظارتی و ریاستی دادستان مورد توجه است:

اولاً) تنها دادستان حوزه قضایی شهرستان تعیین شده است و نهادی مانند دادرای استان برای نظارت بر امور ضابطان پیش بینی نگردیده؛ از این رو در مواردی جدایی نقش ریاستی از نقش نظارتی - آن گونه که در فرانسه ذکر شده - مشخص نمی باشد. دادستان شهرستان مرکز استان و یا دادستان های شهرستان های غیر مرکز استان در حوزه قضایی خود، به حکم تکلیف مقرر در بند «الف» ماده مزبور عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم و سایر اموری هستند که به نوعی معادل آن را در حقوق فرانسه از جهت ارتباط دادستان شهرستان با ضابطان در ریاست یا مدیریت امر تحقیق و تعقیب به طور خاص می توان یافت. اما نقش نظارتی دادستان در فرانسه را به گونه ای می توان با نقش دادستان شهرستان مرکز استان مذکور در تبصره "۲" (الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸) ماده (۲۰) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب تطبیق داد؛ زیرا، این تبصره بدون این که نقش

مدیریتی در امر تحقیق و تعقیب برای دادستان شهرستان مرکز استان راجع به پرونده های ارسالی از سایر دادسراها را در نظر گرفته باشد، به طور ضمنی مرتبط با ضابطان و در جهت تأسیس نهاد نظارتی صرف برای دادستان شهرستان مرکز استان، مقرر کرده است که: «دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان، وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد.»

ثانیاً) ریاست دادستان، در ایران، مقید به آن دسته از وظایف ضابطان است که به عنوان ضابط بر عهده دارند. قانون گذار بر این باور بوده است که ضابطان دادگستری ممکن است مأموریت ضابطان را نداشته باشند. از این جهت به منظور دفع هر گونه شبهه بند "۲" بخش نامه شماره ۱۸۸۲۶/۱۸۰-۱/۴-۱۳۸۰/۱۰/۱۳۸۰ رئیس قوه قضاییه در مقام بیان مفهوم ضابط دادگستری مشعر بر این امر است که: «بعضی از قضات جوان از مفاهیم ضابط بودن، تعبیر درستی ندارند و افسران تشکیل دهنده ی پرونده مقدماتی را در تابعیت محض و مطلق خود دانسته و بعضاً با برخوردهای نامناسب، امر و نهی می نمایند که در شأن افسران نمی باشد و این امر موجب تضعیف روحیه ی آن ها گردیده است. از آن جا که به موجب ماده ی (۱۷) قانون مذکور<sup>(۷)</sup> ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رئیس حوزه قضایی می باشد؛ لذا نظارت و آموزش مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی و تکلیف ضابطن دادگستری بر اجرای دستورهای قضایی، تنها بر اساس قانون و در حدود وظایف ضابطی آنان قابل اعمال است و خارج از آن، نباید از ضابطان که بنا بر مقررات شغلی و استخدامی وظایف و مأموریت های سازمانی دیگری به عهده دارند- و از آن ها حیث، قضات در سلسله مراتب سازمانی آنان قرار ندارد- انتظاری داشت<sup>(۸)</sup>.

اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۷۴۰۰- ۱۳۷۸/۱۲/۱ راجع به نظارت و سرکشی به یگان های انتظامی اظهار نموده است: «سرکشی یگان های انتظامی ارتباطی با نظارت بر وظایف مأموران انتظامی ندارد؛ مگر این که در مورد یا موارد خاصی در ارتباط با اجرای وظایف ضروری

باشد. در نتیجه از معنای ریاست، در سیستم حقوقی فعلی ایران، نمی توان مفهوم ارتكازی آن را نسبت به آن چه گفته شد، استفاده کرد. بلکه ظاهر این است که خارج از وظایف ضابط بودن، دادستان بر ضابطان ریاست و نظارتی ندارد<sup>(۹)</sup>. این امر باعث شده دادستان ها با ضابطان که مجموعه ی وسیعی را در سیستم حقوقی فعلی ما تشکیل می دهند،<sup>(۱۰)</sup> مواجه با رفتاری دوگانه شوند و در آن قسمت از وظایف آنان که مربوط به ضابطان نیز می شود با تردید انجام تکلیف کنند.<sup>(۱۱)</sup> لازم به یادآوری است که قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۲۹۰ صریحاً به بعد ریاستی دادستان بر ضابطان التفات داشته و قسمت سوم ماده (۱۹) آن مقرر می داشت: «مدعی العموم رئیس ضابطان عدلیه محسوب است ولی مأموریت مخصوص و عمدۀ او تعقیب امور جزایی است.» در این مفهوم مأموری که ضابط شناخته شود باید خود را تحت ریاست دادستان بداند نه این که مأمور ضابط، واجد دو بعد باشد یکی ضابط دادگستری مربوط به دادگستری و دیگری ضابط دادگستری مربوط به غیر دادگستری. ضمن این که در مقررات سابق دادستان مسئول پیگیری شکایاتی که از مأموران نظمیه ژاندارم می شد نیز بوده است، طبق ماده (۱۷۶) آیین دادرسی کیفری سابق: «شکایت از اداره نظمیه و ژاندارم، به مدعی العموم محکمه ابتدایی داده می شود.»

نظام حقوقی ایران و فرانسه با تفاوت در شیوه ی اعمال نظارت قضات محاکم بر عملکرد ضابطان، به این امر عنایت داشته اند. وجود چنین مطلبی اصولاً بر عقیده ای استوار است که مطابق آن محکمه، ناظر بی طرف و قاضی رفتارهای افراد در چهارچوب مقررات مشروع شناخته می شود. حکمت کامل امنیت اجتماعی، بدون حاکمیت مبسوط الید مرجع اعمال قانون - که همان قاضی جامع الشرایط است - در غالب موارد دستخوش تعدی و یا کوتاهی از اعمال قدرت عمومی توسط اشخاص مسئول حفظ و رعایت قوانین خواهد شد. از این رو در مواردی اعمال مجازات و در مواردی اعمال اقتدار در قالب اقدامات تأمینی و بازدارنده در حق مأموران متعدی و یا ناآشنا و سهل انگار نسبت به وظایف سنگین ضابطی که رابطه ی مستقیم با اعمال عدالت دارد، محکمه را در تحقق و برپایی امنیت اجتماعی و احقاق حقوق آحاد مردم واجد صلابت لازم خواهد نمود. اما نظام حقوقی ایران یک بعد از

اختیارات محکمه را به صراحت تبیین ننموده است. با مقایسه سیستم حقوقی ایران و فرانسه ابعاد مراقبتی یا نظارتی محکمه را در هر یک توضیح خواهیم داد.

### ۱- نظارت محکمه در نظام حقوقی فرانسه

دو امر در این قسمت مطرح نظر است؛ اول نظارت و دوم ضمانت اجرای نظارت. در خصوص نظارت، ماده (۱۳) آیین دادرسی کیفری فرانسه به نقش نظارتی دادستان و خاصه نقش کنترل گر شعبه تشخیص اتهام<sup>(۱۲)</sup> (وفق ماده ۲۲۴ به بعد قانون مذکور) که در این قسمت محل بحث است، به روشنی اشاره داشته و در خصوص نظارت و کنترل آن دو بر پلیس قضایی حوزه قضایی خود، تصریح دارد:

"sous la surveillance du procureur general et sous le controle de la chamber d' accusation conformement aux articles ۲۲۴ et suivants".

ماده (۲۲۴) قانون مذکور هم با توسعه ی مفهوم ضابطان مشعر است بر این که شعبه تشخیص اتهام بر عملکرد مأموران نظامی و غیر نظامی، افسران و مأموران پلیس قضایی- که به عنوان ضابط انجام وظیفه می نمایند- اعمال کنترل می کند:

"La chamber d'accusation exerce un controlr sur l activite des officieres et agents de police,functionnaires civils et des militaties pris en cette qualite,judiciaire".

شعبه تشخیص اتهام با درخواست دادستان استان و یاتوسط رئیس شعبه اقدام به کنترل می نماید. شعبه تشخیص اتهام می تواند ضمن بررسی پرونده ی مطروحه نزد وی، راساً نسبت به عملکرد ضابطان قضایی کنترل نماید. ماده (۲۲۵) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به این مطلب تصریح دارد:

Soit par son president.Elle, "Elle est saisie soit par le procureur general peut se saisir d' office l' occasion de l' examen de la procedure qui lui est soumis".



توضیح این که اعمال اقدامات مزبور توسط شعبه تشخیص اتهام و نه دادستان اولاً، وظیفه خطیر ضابطان دادگستری را در رعایت دقیق اصول دادرسی مشخص می نماید؛ ثانیاً، دغدغه یکسری اعمال نظرها توسط دادستان و جانبداری های ناشی از ارتباط کاری او با ضابطان را منتفی می سازد.

## ۲- نظارت محکمه در نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران در امر تشکیلات دادرسی کیفری، ترتیباتی که در سیستم حقوقی فرانسه شاهد بودیم پیش بینی ننموده است. ماده (۱۶) آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری نسبت به تخلف از انجام دستورات مقام قضایی وضع شده و بدون ذکر این که ماهیت کیفر تعیینی اداری است یا جزایی<sup>(۱۴)</sup>، می گوید: «ضابطان دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.»<sup>(۱۵)</sup>

ماده (۴۱) قانون مذکور نیز تنها به مسأله ی نظارت بر تحقیقات توجه داشته ودون ذکر ضمانت اجرای انضباطی امر نظارت مقام قضایی، مقرر می کند:

«دادستان و قضات تحقیق بر تحقیقات و اقدامات ضابطان دادگستری نظارت دارند و چنان چه تکمیل تحقیقات و اقدامات انجام شده را ضروری بدانند، تصمیم مقتضی اتخاذ می نمایند.»

ماده (۱۷۶) قانون یاد شده به مسأله تعقیب انتظامی و اداری نیز دلالت دارد ولیکن از این ماده استفاده نمی شود که مقام اعمال کننده ی آن، قاضی دادگستری است. این ماده می گوید: «قضات، ضابطان دادگستری و سایر مأمورانی که به موجب قانون موظف به تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم می باشند، چنان چه در انجام وظیفه خود مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقیب یا اجرای حکم صادره باشد؛ حسب مورد تحت تعقیب کیفری، انتظامی و اداری قرار خواهند گرفت.» ماده (۲۸۴) همین قانون، مشابه مطلب مذکور

را مقرر نموده: «کلیه ضابطان دادگستری و نیروهای انتظامی و رؤسای سازمان های دولتی و وابسته به دولت و یا مؤسسات عمومی در حدود وظایف خود مکلفند دستورات مراجع قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند.

تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می باشد.

بخش نامه شماره ۱۷۸/۱۲۶۳۰ - ۱۳۷۸/۱۱/۳۰ رئیس قوه قضاییه نیز به مطلب فوق تصریح دارد و مفاد نکاتی را در چهارچوب آن در بر می گیرد که مطابق آن: «نظر به این که کلیه ی ضابطان دادگستری و نیروهای نظامی و انتظامی و رؤسای سازمان های دولتی و وابسته به دولت و یا مؤسسات عمومی در حدود وظایف خود مکلفند دستورات مراجع قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند و تخلف از این مقررات علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی برابر ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی<sup>(۱۶)</sup> مستوجب تعقیب کیفری می باشد؛ رؤسای حوزه های قضایی با بازبینی پرونده های اجرایی واحد اجرای احکام حوزه خود و مذاقه لازم در آن ها در هر مورد که معلوم گردد بی اعتنایی به قوانین یا مدلول آرا از ناحیه ی اشخاص مذکور در مواد مرقوم موجب جلوگیری از اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی شده است، به وظیفه مقرر در بند "۱" ماده (۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و سایر قوانین و مقررات مربوط عمل و مواردی که مشمول ماده (۲۸۴) آیین دادرسی در امور کیفری باشد جهت تعقیب اداری و انتظامی مستنداً به مراجع مربوط اعلام گردد و تا اخذ نتیجه نهایی پیگیری به عمل آید.»

#### نتیجه:

از مجموع مطالبی که بیان گردید پیرامون نقش نظارتی و ریاستی مراجع قضایی بر ضابطان استفاده می شود که تنظیم روابط قاضی و ضابطان در اجرای قواعد حقوقی و رعایت ضوابط قانونی ضرورت غیر قابل اجتناب دارد. سیستم حقوقی فعلی کشورمان، در عین حال که توجه

به تضمین های سنگین جزایی نظارت قضایی دارد، دارای نواقصی در امر نقش مدیریتی و نظارتی محکمه است که می بایست در رفع ابهامات آن بازنگری اصولی نمود. اگر چه احیای مجدد پلیس قضایی در دستور کار مسئولان قوا، خاصه قوه قضاییه قرار دارد؛ لیکن در وضعیت کنونی نیز شایسته است محدوده ی نظارتی و ریاستی دادسرا و محکمه بر ضابطان عام و خاص دادگستری به دقت ترسیم گردد. چنان چه رعایت حقوق و حریم قانونی آحاد ملت مخالف هر گونه تعدی و سهل انگاری در اعمال اختیارات متصدیان امر کشف تعقیب و تحقیق و اجرای مقررات باشد، لازم است نهادهای حمایتی از اصول قانونی و عملکرد مأموران نیز در حد قابل اطمینانی با وظایف روشن و تعریف شده، استقرار یابد.

#### پی نوشت ها:

- (۱) بندهای ۲، ۳ و ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی
- (۲) گاستون استفانی و ژرژلوا سور و برناربولوک، آیین دادرسی کیفری، موضوع ونهادهای دادرسی، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد اول، تهران: دانشگاه علامه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹، ش ۱۰۹.
- (۳) راجع به حدود اصل وابستگی سلسله مراتبی و غیر قابل تجزیه بودن و استقلال و هم چنین غیر قابل رد بودن و عدم مسئولیت دادسرا ر.ک. به گاستون استفانی و ژرژلوا سور و برناربولوک، همان مأخذ، ص ۱۵۷-۱۵۲.

۴) *Leprocureur general pres la Cour de cassation na pas autorite sur les members des parquets generaux ni des Parquets de grande instance.CF "Le pocureur general pres la Cour de cassation exclu du Ministere public francais", le nouveareu pouvoir judiciaire, n۲۸۴ et ۲۸۷ (Mai*

*۱۹۷۹):CASORLA, Le procureur general pres la cour de cassation et son histoire", ۱۹۷۸-Jan ۱۹۷۹.*

۵) *Procureur de la Republigue.*

۶) *La surveillance du procureur general*

۷) منظور، ماده (۱۷) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری است که مقرر می دارد: «ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند، با رئیس حوزه قضایی است.»

۸) مجموعه بخش نامه های قوه قضاییه، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، چاپ نخست، جلد دوم ۱۳۸۱-۱۳۶۸، ۱۳۸۲، ص ۷۸۲ و ۷۸۱.

۹) ر.ک: به مهاجری، علی، آیین رسیدگی در دادسرا، انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۷۰ و ۷۱.

۱۰) طبق ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه های عموم و انقلاب در امور کیفری ضابطان دادگستری عبارتند:

- ۱- از نیروی انتظامی جمهوری ایران؛
- ۲- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان؛
- ۳- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می شوند؛
- ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند؛
- ۵- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.

۱۱) نظریه شماره ۱۳۸۰/۱۰/۳-۷/۵۱۷۲ اداره حقوق قوه قضاییه در مورد ضابط بودن نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موضوع بند "۱" ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی کیفری بر همین اساس بیان می دارد: «اولاً، با توجه به بند "۸" ماده (۴) قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹/۴/۲۷ کلیه افراد نیروهای انتظامی که وظایف مذکور در این بند را به عهده دارند، ضابط دادگستری شناخته می شوند. ثانیاً، فرمانده نیروی انتظامی رئیس اداره است.

۱۲) شعبه تشخیص اتهام سه وظیفه اساسی به عهده دارد:

۱- مرجع قضایی است که تحقیقات را بازپرس می نماید؛

۲- مرجع قضایی اعمال مقررات شبه انضباطی در مورد ضابطان قضایی است؛

۳- مرجع رسیدگی به اختلاف در صلاحیت میان دو بازپرس است. ر.ک به:

Jean pradel procedure Penale, cugjas, ۱۹۸۵, pp ۴۴et۴۵

۱۳) مطابق ماده (۲۲۸) آیین دادرسی کیفری فرانسه:

Si La chamber d accusation estime quei officier de police Judiciaire a  
cmmis une infraction a la loi penale, ellear do nne en outré la  
transmission du doss ierau parocu are ur general a toute finqu il  
appartiendra

۱۴) نظریه شماره ۷/۵۷۰۰-۱۳۵۵/۱۱/۲ اداره حقوقی دادگستری از ماده (۱۹) آیین دادرسی  
کیفری سابق تلقی دعوی انضباطی داشته؛ لذا بدون لزوم رعایت مقررات دیگر کیفری فقط با  
اعلام دادستان به دادگاه شهرستان آن را قابل اجرا می دانست.

۱۵) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و  
انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق  
قانون تشکیل می گردد ولی به جرایم عمومی آنان و یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری  
مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاه های نظامی بخشی از قوه  
قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

۱۶) مطابق ماده (۵۷۶) ق.م.ا چنان چه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی  
و شهرداری ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر  
کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی و یا هر گونه امری  
که از طرف مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری  
نماید، به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.